



دعای صبح

در ذکر بعضی از دعاهاى مشهور، دعای صبح حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدای بخشاینده مهربان

اللَّهُمَّ يَا مَنْ دَلَعَ لِسَانَ الصَّبَاحِ بِنُطْقِ تَبْلُجِهِ وَسَرَّحَ قِطْعَ اللَّيْلِ

خدایا ای کسی که بیرون کشید زبان صبحدم را به بیان تابناک آن و پراکنده ساخت پاره های شب

الْمُظْمِ بِغَيَابِهِ تَلْجُلُهُ وَآتَقَنَ صُنْعَ الْفَلَكَ الدَّوَّارِ فِي مَقَادِيرِ

تاریک را با آن توده های سیاه سرگردانی که داشت و محکم ساخت ساختمان این چرخ گردون را در اندازه ها

تَبْرُجِهِ وَشَعَشَعَ ضِيَاءَ الشَّمْسِ بِنُورِ تَأْجِجِهِ يَا مَنْ دَلَّ عَلَى ذَاتِهِ

و گردشهای زیبایش و پرتو افکن ساخت تابش خورشید را با نور فروزان و گرم آن ای که راهنمایی کرد بر

خودش



بِدَاتِهِ وَتَنْزَعَهُ عَنْ مُجَانَسَةِ مَخْلُوقَاتِهِ وَجَلَّ عَنْ مُلَانَمَةِ كَيْفِيَّاتِهِ يَا

به خودش و منزّه است از هم جنسی (و مشابهت با) مخلوقاتش و برتر است از سنخیت یا چگونگیهای عالم خلقت ای

مَنْ قُرْبٍ مِنْ خَطَرَاتِ الظُّنُونِ وَبَعْدَ عَنْ لِحْظَاتِ العُيُونِ وَعَلِمَ بِمَا

کسی که نزدیک است به گمانهایی که (درباره او) بر دل خطور کند ولی دور است از چشم انداز دیدگان و می داند آنچه را

كَانَ قَبْلَ أَنْ يَكُونَ يَا مَنْ أَرَقَدَنِي فِي مِهَادِ أَمْنِهِ وَأَمَانِهِ وَأَيَّقَنِي

شود پیش از شدنش ای کسی که مرا در گهواره آسایش و امنیت خود به خواب برد و برای استفاده از نعمتها

إِلَى مَا مَنَحَنِي بِهِ مِنْ مَنِّهِ وَإِحْسَانِهِ وَكَفَّ أَكْفَ السُّوِّءِ عَنِّي بِيَدِهِ

و بخششهای بیدریغش که به من ارزانی داشته بیدارم کرد و پنجه های بدخواهان را بدست قدرت



وَسُلْطَانِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَى الدَّلِيلِ الْيَكِّ فِي اللَّيْلِ الْأَيْلِ وَالْمَأْسِكِ

و سلطنت خویش از من بازداشته درود فرست بر آن راهنمای به سوی تو در شب بسیار تاریک (جاهلیت) و آن کس که در

مِنْ أَسْبَابِكَ بِجَبَلِ الشَّرَفِ الْأَطْوَلِ وَالنَّاصِعِ الْحَسْبِ فِي ذِرْوَةِ

میان اسباب و وسائل تو بلندترین ریسمان شرف را گرفت و آن کس که حسب پاک و خالصش بر بلندترین

الْكَاهِلِ الْأَعْبَلِ وَالثَّابِتِ الْقَدَمِ عَلَى زَحَالِفِهَا فِي الزَّمَنِ الْأَوَّلِ

شانه های مردان عالم قرار داشت و آن ثابت قدم بر روی لغزشگاهها در آن زمان پیشین

وَعَلَى إِلِهِ الْأَخْيَارِ الْمُصْطَفَيْنِ الْأَبْرَارِ وَافْتَحَ اللَّهُمَّ لَنَا مَصَارِعَ

و بر خاندان نیکوکار برگزیده خوش کردارش و بگشا برای ما خدایا لنگه های در

الصَّبَاحِ بِمَفَاتِيحِ الرَّحْمَةِ وَالْفَلَاحِ وَالْبِسْنِي اللَّهُمَّ مِنْ أَفْضَلِ خَلْعٍ

بامدادان را به کلیدهای رحمت و رستگاری و بیوشانم خدایا از بهترین خلعتهای



الْهُدَايَةِ وَالصَّلَاحِ وَأَعْرِسِ اللَّهُمَّ بِعَظَمَتِكَ فِي شَرْبِ جَنَانِي

هدایت و شایستگی و بجوشان خدایا به عظمت خویش در جویبار دلم

يَنَابِيعِ الْخُشُوعِ وَأَجْرِ اللَّهُمَّ لِهَيْبَتِكَ مِنْ أَمَاقِي زَفَرَاتِ الدُّمُوعِ

چشمه های خشوع و جاری ساز خدایا برای هیبتت از گونه هاییم مشکهای اشک

وَأَدِّبِ اللَّهُمَّ نَزَقَ الْخُرْقِ مِنِّي بِأَزْمَةِ الْقُنُوعِ إِلَهِي إِنْ لَمْ تَبْتَدِنِي

و ادب کن خدایا سبک مغزی و تندخویی مرا به مهارهای قناعت (یا خواری در سؤال) خدایا اگر در ابتدا

الرَّحْمَةِ مِنْكَ بِحُسْنِ التَّوْفِيقِ فَمَنْ السَّالِكُ بِي إِلَيْكَ فِي وَاضِحِ

رحمت تو از روی حسن توفیق به سراغ من نمی آمد پس چه کسی بود که مرا در این

الطَّرِيقِ وَإِنْ أَسْلَمْتَنِي أَنَا نَتَّكُ لِقَائِدِ الْأَمَلِ وَالْمُنَى فَمَنْ الْمُقِيلُ

راه روشن بسویت آرد و اگر حلم و بردباری تو مرا بدست آرزو و میل سرکش سپارد پس چه کسی



عَشْرَاتِي مِنْ كِبْوَاةِ الْهُوَى وَإِنْ خَذَلَنِي نَصْرُكَ عِنْدَ مُحَارَبَةِ النَّفْسِ

لغزشهای مرا از زمین خوردنهای هوا و هوس نادیده بگیرد و اگر در هنگام جنگ با نفس

وَالشَّيْطَانِ فَقَدْ وَكَلَنِي خِذْلَانِكَ إِلَى حَيْثُ النَّصْبِ وَالْحَرَمَانِ إلهي

و شیطان یاری تو نباشد مسلماً همان یاری نکردنت مرا بدست رنج و حرمان سپارد خدایا

أَتْرَانِي مَا أَتَيْتُكَ إِلَّا مِنْ حَيْثُ الْأَمَالِ أَمْ عَلِقْتُ بِأَطْرَافِ حِبَالِكَ إِلَّا

تو بخوبی مرا می بینی که نزدت نیامدم جز از راه آرزوها (و آنها بود که مرا به درگاهت آورد) یا شده که بسر رشته های فضل

حِينَ بَاعَدْتَنِي ذُنُوبِي عَنْ دَارِ الْوَصَالِ فَبُئْسَ الْمُطِيبَةُ الَّتِي امْتَطَتْ

و کرمت چنگ زدم جز وقتی که گناهانم مرا از خانه وصال دور سازد پس چه بد مرکبی است این مرکب



نَفْسِي مِنْ هَوَاهَا فَوَاهَا لَهَا مَا سَوَّلَتْ لَهَا ظَنُونُهَا وَمُنَاهَا وَتَبَّأَلَهَا

هوا و هوس که نفس من بر آن سوار شده پس وای بر این نفس که گمانهای باطل و آرزوهای بیجایش در نزد او جلوه کرد و

جُرَّاتِهَا عَلَى سَيِّدِهَا وَمَوْلِيهَا إِلَهِي قَرَعْتُ بَابَ رَحْمَتِكَ يَدِ

نابود باد که بر آقا و مولای خویش دلیری کرد خدایا من در رحمتت را بدست امیدم

رَجَائِي وَهَرَبْتُ إِلَيْكَ لِأَجْنَابٍ مِنْ فَرْطِ أَهْوَائِي وَعَلَّقْتُ بِأَطْرَافِ

کوبیدم و از فرط هواهای نفسانی به حال پناهندگی بسوی تو گریختم و بند کردم بسر رشته های

جِبَالِكَ أَنَا مِلَّ وَلَائِي فَأَصْفَحْ اللَّهُمَّ عَمَّ أَكُنْتُ أَجْرَمْتُهُ مِنْ زَلِّي

کرمت انگشتان دوستی ام را پس درگذر خدایا از جرمهایی که من از روی لغزش

وَخَطَائِي وَأَقْلَنِي مِنْ صَرَعَةٍ [رِدَائِي] فَإِنَّكَ سَيِّدِي وَمَوْلَايَ

و خطا کردم و نگاهم دار از حمله بیماریم (که دچار گشته ام) زیرا که تویی آقا و مولایم



وَمُعْتَمِدِي وَرَجَائِي وَأَنْتَ غَايَةُ مَطْلُوبِي وَمُنَايَ فِي مُنْقَلَبِي

و تکیه گاه و امیدم و تویی منتهای خواسته و آرمانم در دنیا

وَمَثْوَايَ إِلَهِي كَيْفَ نَظَرُ دُمُسْكِينَا التَّجَاءَ إِلَيْكَ مِنَ الذُّنُوبِ هَارِبًا

و عقبایم خدایا چگونه برانی از درگاهت بیچاره ای را که در حال فرار از گناهان به تو پناه آورده

أَمْ كَيْفَ تُحِبُّ مُسْتَرِشِدًا قَصِدًا إِلَى جَنَابِكَ سَاعِيًا أَمْ كَيْفَ تَرُدُّ

یا چگونه نومید سازی راه جویی را که شتابان آهنگ حضرت تو را کرده یا چگونه بازگردانی

ظُمْنَانَ وَرَدًا إِلَى حِيَاضِكَ شَارِبًا كَلًّا وَحِيَاضِكَ مُتْرَعَةً فِي ضَنْكَ

تشنه ای را که برای نوشیدن (آب) بر سر حوضهای تو آمده نه هرگز چنین خواهی کرد با اینکه حوضهای
(پرفیضت)

الْمُحُولِ وَبَابِكَ مَفْتُوحٌ لِلطَّلَبِ وَالْوُغُولِ وَأَنْتَ غَايَةُ الْمَسْئُولِ

در سخت ترین خشکسالیها لبریز است و در خانه ات برای خواستن و ورود در آن باز است و تویی انتهای خواسته



وَنَهَايَةُ الْمَأْمُولِ إِلَهِي هَذِهِ أَرْزَمَةُ نَفْسِي عَقَلْتُهَا بِعَقَالِ مَشِيَّتِكَ

(خواستاران) و منتهای آرزوی (آرزومندان) خدایا این مهارهای نفس من است که به پای بند مشیت تو آنها را

بستم

وَهَذِهِ أَعْبَاءُ ذُنُوبِي دَرَاتُهَا بِعَفْوِكَ وَرَحْمَتِكَ وَهَذِهِ أَهْوَاءِي الْمُضِلَّةُ

و این است بارهای سنگین گناهانم که به امید عفو و رحمتت بر زمین نهادم و این است هوسهای گمراه کننده ام

وَكَلَّتْهَا إِلَى جَنَابِ لُطْفِكَ وَرَأْفَتِكَ فَاجْعَلِ اللَّهُمَّ صَبَاحِي هَذَا نِازِلًا

که به آستان لطف و مهتر سپردم پس ای خدا این بامداد مرا چنان مقرر کن

عَلَى بَضِيَاءِ الْهُدَى وَبِالسَّلَامَةِ فِي الدِّينِ وَالدُّنْيَا وَمَسَائِي جُنَّةً مِنْ

که با انوار هدایت و سلامت در دین و دنیا بر من فرود آید و شامم را سپری از

كَيْدِ الْعَدِيِّ وَوَقَايَهُ مِنْ مُرْدِيَاتِ الْهَوَى إِنَّكَ قَادِرٌ عَلَى مَا تَشَاءُ

نیرنگ خطرناک دشمنان و پناهگاهی از پرتگاههای هوا و هوس قرار ده که تو بر هر چه خواهی



تُوْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ

توانایی ملک و سلطنت را به هر که خواهی می دهی و از هر که خواهی برگیری و عزت دهی هر که را خواهی

وَتُنْدِلُ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرِ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ تُؤْتِيهِ اللَّيْلَ

و خوار کنی هر که را خواهی همه خوبیها بدست تو است و تو بر هر چیز توانایی شب را

فِي النَّهَارِ وَتُؤْتِيهِ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَتُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ

در روز فرو بری و روز را در شب درآوری زنده را از مرده بیرون آوری و مرده را

وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَتَرْزُقُ مَنْ تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ لَا إِلَهَ إِلَّا

از زنده برون آری و به هر که خواهی بی حساب روزی دهی معبودی جز تو نیست

أَنْتَ سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَمَحْمَدٌ كَمَنْ ذَا يَعْرِفُ قَدْرَكَ فَلَا يَخَافُكَ

منزهی تو خدایا و حمد تو را گویم کیست که قدر تو را بشناسد و از تو نترسد



وَمَنْ ذَا يَعْلَمُ مَا أَنْتَ فَلَا يَهَابُكَ أَلْفَتْ بِقُدْرَتِكَ الْفِرْقَ وَفَلَقَتْ

و کیست که بداند تو کیستی و از تو نهراسد تو با قدرت خویش جداها را با هم جمع کردی

بَلُطْفِكَ الْفَلَقَ وَأَنْزَرْتَ بِكَرَمِكَ دِيَاجِيَ الْعَسَقِ وَأَنْهَرْتَ الْمِيَاهَ مِنْ

و به لطف خویش سپیده دم را شکافتی و بکرم خود تاریکیهای شدید شب را روشن کردی و روان کردی آبهای شیرین و

الصُّمِّ الصَّيَاخِيدِ عَذْبًا وَأُجَا جَاءَ وَأَنْزَلْتَ مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً تُجَا جَاءَ

شور را از دل سنگهای سخت و محکم و فرو ریختی از ابرهای فشرده آبی ریزان و فراوان ،

وَجَعَلْتَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ لِلْبَرِيَّةِ سِرَاجًا وَهَاجًا مِنْ غَيْرِ أَنْ تُمَارِسَ

و قرار دادی خورشید و ماه را برای مردمان چراغی فروزان بدون آنکه در آنچه بدان آغاز کردی (در آفرینش) دچار



فِي مَا ابْتَدَأَتْ بِهِ لُغُوبًا وَلَا عِلاجًا فَيَأْمَنُ تَوَحُّدًا بِالْعِزِّ وَالْبُقَاءِ وَقَهَرَ

خستگی و تعب گردی یا به چاره جویی محتاج شوی ای آنکه در عزت و بقاء یگانه است و بندگانش را بوسیله

عِبَادَهُ بِالْمَوْتِ وَالْفَنَاءِ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْأَتْقِيَاءِ وَاسْمَعُ

مرگ و نابودی مقهور خویش کرده درود فرست بر محمد و خاندان پرهیزکارش و فریاد مرا

نِدَائِي وَاسْتَجِبْ دُعَائِي وَحَقِّقْ بِفَضْلِكَ أَمَلِي وَرَجَائِي يَا خَيْرَ مَنْ

بشنو و دعایم را به اجابت مقرون ساز و به فضل خویش آرزو و امید مرا تثبیت کن ای بهترین کسی که

دُعَى لِكُشْفِ الضَّرِّ وَالْمَأْمُولِ لِكُلِّ عُسْرٍ وَيُسْرِيكَ أَنْزَلْتُ حَاجَتِي

خوانده شدی برای برطرف ساختن گرفتاری و آرزو شده ای برای هر سختی و آسانی فرود آوردم بار حاجتم را
بدرگاہت

فَلَا تُرُدَّنِي مِنْ سَنِيٍّ مَوَاهِبِكَ خَائِبًا يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ

پس مرا از عطایای عالی (و سنگین قیمت) خود ناامید باز مگردان ای کریم ای کریم ای کریم



بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ

به رحمت خود ای مهربانترین مهربانان و درود خدا بر بهترین آفریدگانش محمد و آل او همگی

پس به سجده برود و بگوید:

إِلَهِي قَلْبِي مَحْجُوبٌ وَنَفْسِي مَعْيُوبٌ

خدایا دلم در پرده است و نفسم معیوب

وَعَقْلِي مَغْلُوبٌ وَهَوَائِي غَالِبٌ وَطَاعَتِي قَلِيلٌ وَمَعْصِيَتِي كَثِيرٌ

و عقلم مغلوب است و هوای نفس بر من چیره است و طاعتم اندک و گناهانم بسیار است

وَلِسَانِي مُقَرَّبٌ بِالذُّنُوبِ فَكَيْفَ حِيلَتِي يَا سِتَّارَ الْعُيُوبِ وَيَا عَلَامَ

و زبانه به گناهان اقرار دارد پس چاره ام چیست ای پرده پوش عیبها و ای دانای



الْغُيُوبِ وَيَا كَاشِفَ الْكُرُوبِ اغْفِرْ ذُنُوبِي كُلَّهَا بِحُرْمَةِ مُحَمَّدٍ وَآلِ

نادیدنیها و ای برطرف کننده اندوهها بیامرز همه گناهانم را به حرمت محمد و آل

مُحَمَّدٍ يَا غَفَّارُ يَا غَفَّارُ يَا غَفَّارُ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

محمد ای آموزش پیشه ای بسیار آمرزنده ای بسیار آمرزنده به رحمتت ای مهربانترین مهربانان

مؤلف گوید: که علامه مجلسی (ره) این دعا را در کتاب دعای بحار و در کتاب صلوة با بیان ذکر نموده و فرموده که این دعا از ادعیه مشهوره است و من در کتب معتبره آنرا نیافتم مگر در مصباح سید بن باقی رضوان الله علیه و نیز فرموده مشهور خواندن این دعا است بعد از فریضه صبح و سید بن باقی روایت کرده آنرا بعد از نافله صبح و بهر کدام عمل شود خوب است .